

ان - ایالات متحده ۱۰۱۷۲-۷۳

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

۱۰۱۷۵-۷۳

Case No. 10172Date of filing: 16 July 1987

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 16 July 1987
 _____ pages in English 12 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

دیوان دادگستری ایران - ایالات متحده

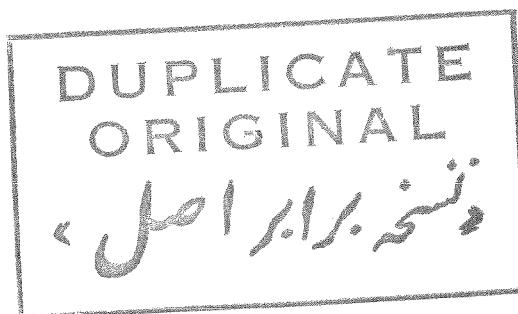
IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 10172

Chamber One

پرونده شماره ۱۰۱۷۲
شعبه یک
حکم شماره ۳۱۳-۱۰۱۷۲-۱



اسکات، فورسمن آند کامپنی،
ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار
مطروح توسط ایالات متحده امریکا،
خواهان،

| | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL | دیوان دادگستری ایران - ایالات متحده |
| FILED - ثبت شد | |
| Date ۱۶ JUL 1987 | تاریخ ۱۳۴۶ / ۴ / ۲۵ |
| No. 10172 | شماره |

- ۹ -

جمهوری اسلامی ایران،
بانک مرکزی ایران،
خواندگان.

حکم

حاضران :

از طرف خواهان : آقای الن سیمون
وکیل و مشاور وزارت امور خارجه،

خانم لویی رید
وکیل - مشاور نماینده رابطه

آقای رونالد حی. بیتاوئر
دستیار مشاور حقوقی نماینده رابطه

خانم مری بت وست
وکیل - مشاور نماینده رابطه

آقای مایکل اف. رابوین
قائم مقام نماینده رابطه

از طرف خواندگان : آقای محمد کریم اشراق
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای محمد حسین بردار
مشاور حقوقی نماینده رابطه

آقای عبدالمجید عقیقی
دستیار نماینده رابطه

آقای محمد اختراعی
نماینده حقوقی بانک مرکزی ایران.

اول - جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دیماه ۱۳۶۰) دولت ایالات متحده امریکا، یک فقره ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار از طرف خواهان، اسکات، فورمن اند کامپنی اقامه نمود.

۲ - در تاریخ ۲۲ آوت ۱۹۸۴ (۳۱ مردادماه ۱۳۶۳) ایالات متحده دادخواست تکمیلی و در سوم مارس ۱۹۸۶ (۱۲ آسفندماه ۱۳۶۴) بانک مرکزی دفاعیه خود را به ثبت رساندند.

۳ - در تاریخ دوم ژوئیه ۱۹۸۶ (۱۱ تیرماه ۱۳۶۵) خواهان پاسخ خود به دفاعیه را به ثبت رساند. با وجود دعوت دیوان از خواندگان برای ثبت اظهاریه یا لایحه توجیهی، آنان لایحه دیگری در آن زمینه تسلیم نکردند.

۴ - جلسه استماعی در نهم آوریل ۹۸۷ (۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۶) تشکیل گردید. آقای کورش - حسین عاملی، که به موجب دستور شماره ۵۲ مورخ سوم آوریل ۹۸۷ (۱۴ فروردین ماه ۱۳۶۶) ریاست دیوان به جای آقای سیدمحسن مصطفوی به عنوان داور شعبه یک برای رسیدگی به پرونده حاضر تعیین شده بود، در جلسه شرکت نمود.

دوم - واقعیات و اظهارات

الف - صلاحت

۵ - در اینکه خواهان به ترتیب مقرر در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه

ایالات متحده یا به طور مستمر مالک ادعای خود بوده است، بحثی نیست. خواهان مدارکی ارائه داده مبنی بر اینکه قبله" به صورت شرکتی در ایالت ایلینوی در سال ۱۸۹۶ تشکیل شده و در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۹ (هشتم مهرماه ۱۳۴۸) با ادغام با یک شرکت فرعی کاملاً" متعلق به خود در ایالت دلهور، محل تشکیل شرکت اخیر، به یک شرکت مشکل در ایالت مزبور تغییر یافته است. در ۲۰ فوریه ۱۹۸۰ (اول اسفندماه ۱۳۵۸) خواهان یک شرکت فرعی کاملاً" متعلق به شرکت سهامی عام اس اف ان کامپنیز اینکورپوریتد از ایالت دله ور گردید. خواهان مدارکی ارائه داده مبنی بر آنکه پیش از پنجاه درصد سهام موجود آن شرکت از تاریخ بروز ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) مستمراً" به اتباع ایالات متحده تعلق داشته است.

۶ - همچنین بحثی نیست که طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی بانک مرکزی ایران مشمول تعریف "ایران" می گردد.

ب - ماهیت

۷ - خواهان یک ناشر مطالب آموزشی و علمی است. تا سال ۱۹۷۹ مستقیماً" یا از طریق نماینده خود، به شش کتابفروشی خصوصی نامبرده زیر در ایران کتاب می فروخته یا بنحو امامی برای فروش ارسال می داشته است: (۱) دانشگاه رضاشاه کبیر، (۲) شرکت کتاب ایران، (۳) انجمن ایران و امریکا، (۴) ایرانین، امالکامیتد دیستربیوشن ایجنسی (شرکت پخش مطبوعاتی ایران یاد با مسئولیت محدود)، (۵) کتابفروشی تاجرزاده کیوان، و (۶) بوک شاپ.

۸ - خواهان استدلال می کند که تا نوامبر ۱۹۷۸ که بانک مرکزی با صدور بخشنامه شماره نا/۱۱۶۰۰ محدودیت ارزی تازه‌ای وضع نمود، از این شش کتابفروشی مبالغی به دلار

امريكا دريافت می کرد. خواهان مدعی است که از آن تاريخ به بعد بابت كتابهایي که برای اين كتابفروشيها ارسال داشته بود وجهی دريافت نکرده و از منابع مختلف اطلاع حاصل نموده که ظاهراً در اثر برقراری محدودитеای ارزی در نوامبر ۱۹۷۸ و بعداً در مه ۱۹۷۹ (بخشنامه نا ۲۰۹۰/۵) از انتقال چنین وجهی جلوگیری شده است. خواهان استدلال می کند که تحت شرایطي که آن زمان بر ايران حاكم بوده، وی تنها می توانست تصور نماید که آن شش كتابفروشی کوشش می کرده‌اند که وجهی از طريق بانک مرکزی منتقل نمایند، ولی محدودитеای ارزی بانک مرکزی مانع انتقال وجه می گردید، اما خواهان قادر نیست دليل مستقیمي برای اثبات اين امر ارائه دهد. طبق استدلال خواهان اين محدودитеای ارزی برخلاف عهdename مودت، روابط اقتصادي و حقوق کنسولي سال ۱۹۵۵ بين ايران و ايالات متحده، موافقنامه صندوق بين الملل پول و حقوق بين الملل عرفی بوده (۱) و بنابراین ايران مسئول پرداخت وجهی است که حسب ادعا درنتیجه محدودитеای ارزی مزبور از انتقال آنها جلوگیری شده است. از اين‌رو، خواهان مبلغ ۱۴۹،۶۵۰/۲۹ دلار بابت کل مبلغی که حسب ادعا شش كتابفروشی جمعاً به وی مديونند به علاوه بيره آن مبلغ را مطالبه می کند. خواهان ۱/۵ درصد نيز علاوه بر مورد ادعا بابت هزينه تهيه ادعای حاضر مطالبه می نماید.

۹ - خوانده بانک مرکزی ايران در دفاع خود چهار استدلال اساسی مطرح و اولاً استدلال می کند که خواهان نمی تواند به عهdename مودت استناد نماید زيرا به عقиде بانک مرکزی عهdename مودت در مدت مربوطه قابل احرا نبوده و در هر حال خواهان اهليت استناد به آن را ندارد. ثانياً "خوانده استدلال می کند که ديوان صلاحيت تصميم گيري در

(۱) باتوجه به تصميم ديوان در ماهيت ادعا لزومی ندارد که استدللات خواهان در اين مورد به تفصيل ذكر شود.

این باره را که آیا محدودیتهای ارزی ایران تخلف از موافقنامه صندوق بین‌المللی پول بوده است یا خیر، ندارد، ثالثاً، خوانده استدلال می‌کند که طبق عهدنامه مودت و موافقنامه صندوق بین‌المللی پول و حقوق بین‌الملل محدودیتهای ارزی ایران معتبر است.^(۲) بالاخره، خوانده اظهار می‌دارد که علت پرداخت نشدن مطالبات خواهان آن بوده که کتابفروشیهای مذکور، تشریفات لازم برای انتقال پول به خارج از ایران را رعایت نکرده‌اند و اضافه شده که اگر آنان چنین کرده بودند و "خدشهای" در کار نبود بانک مرکزی با انتقال پول موافقت می‌نمود. بنابراین، بانک مرکزی ایران درخواست می‌کند که ادعا رد و حکمی به مبلغ ۵،۰۰۰ دلار به عنوان هزینه‌های داوری به نفع وی صادر شود.

سوم - دلایل حکم

الف - جریان رسیدگی

۱۰ - در ۲۷ فوریه ۱۹۸۷ (هشتم اسفندماه ۱۳۶۵) خواهان یادداشت مشاور حقوقی وزارت امور خارجه ایالات متحده را تحت عنوان "اجرای حقوق بین‌الملل نسبت مقررات ارزی ایران" به ثبت رساند و توضیح داد که یادداشت مزبور اشتباههای به عنوان پیوست دادخواست تکمیلی به ثبت نرسیده است. نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران در جلسه استماع به پذیرش این سند به این دلیل که به موقع به ثبت نرسیده است، اعتراض

(۲) همینطور با توجه به نظر دیوان درباره ماهیت ادعا، لزومی ندارد که استدلالات بانک مرکزی ایران در این مورد به تفصیل بیان شود.

کرد. باتوجه به نظر دیوان درباره ماهیت ادعا، لزومی ندارد که دیوان درباره قابل پذیرش بودن یا نبودن این یادداشت تصمیمی اتخاذ نماید.

ب - صلاحیت

۱۱ - براساس سوابق بلامنازع موجود، دیوان قانع شده است که نسبت به طرفین و ادعا صلاحیت دارد. باتوجه به نظر دیوان درباره ماهیت، لزومی ندارد که دیوان در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت خود نسبت به اینکه آیا محدودیتهای ارزی ایران موافقتنامه صندوق بین المللی پول را نقض نموده یانه، تصمیمی اتخاذ نماید.

۱۲ - طبق تفاهم طرفین و باتوجه به این که بانک مرکزی ایران دفاعیه‌ای به ثبت رسانده، بانک مرکزی ایران خوانده این پرونده محسوب خواهد گردید.

ج - ماهیت

۱۳ - موضوع قاطعی که دیوان باید راجع به آن نظر دهد این است که آیا خواهان از عهده اثبات این امر که اقدامات خواندگان موجب بروز ادعای وی شده، برآمده است یا خیر. طبق بند ۱ ماده ۲۴ قواعد دیوان "هریک از طرفها مسئول اثبات واقعیاتی است که در تائید ادعا یا دفاع خود بدان استناد کرده است". دیوان بر اساس مدارک موجود، نتیجه می‌گیرد که خواهان از عهده اثبات ادعای خود در این مورد برنیامده است. به ویژه، در این باره که محدودیتهای ارزی ایران مانع شده که هیچیک از شش کتابفروشی نتواند دیون خود را بپردازد، ادله کافی ارائه نداده است.

۱۴ - خواهان چهار مدرک ذیربسط برای تائید ادعای خود مبنی بر اینکه کتابفروشیها به

دلیل محدودیتهای ارزی ایران نتوانسته‌اند وجهی پرداخت کنند، ارائه داده است. اول، خواهان سوگندنامه آقای جرج کاپریل مدیر بخش اعتبارات شرکت اسکات، فورسمن اند کامپنی را ارائه می‌دهد. آقای کاپریل در سوگندنامه خود اظهار می‌دارد که نماینده فروش خارجی خواهان یعنی اینترنشنال پابلیشرز رپرزاشنیوز ("آی. پی. آر.") در آتن (یونان) به وی اطلاع داده که کتابفروشی‌های ایرانی به‌طور کلی سعی می‌کردند وجودی انتقال دهند ولی بانک مرکزی مانع این انتقالات می‌گردید. آقای کاپریل همچنین اظهار می‌دارد که ناشرین دیگر نیز با اینگونه تأخیرات ناشی از محدودیتهای ارزی مواجه بودند. بالاخره، آقای کاپریل اظهار می‌دارد که خواهان برای اینکه انتقال پول را تسهیل نماید، صورت حسابی با ذکر ریز اقلام برای یکی از شش کتابفروشی یعنی شرکت کتاب ایران ارسال کرد.

۱۵ - دوم، خواهان یادداشت بدون تاریخی از آی. پی. آر. که برای کلیه مشتریان آی. پی. آر.، مانند اسکات، فورسمن اند کامپنی ارسال گردیده، ارائه می‌دهد. این یادداشت چنین آغاز می‌شود:

"اتکنون از طریق رسانه‌های گروهی اطلاع حاصل کرده‌اید که وضع در ایران به تندی رو به و خامت می‌رود و نظربه اینکه اغلب شما در ایران منافعی دارید این گزارش به عنوان راهنمای اقدامات کنونی و آتی شما ارسال می‌گردد. آشوب چنان در کسب و کار اثر سوء داشته که اغلب کتابفروشان فروشی نداشته‌اند، اگر هنوز به ایران کتاب می‌فرستید، جداً توصیه می‌کنیم که فوراً متوقف کنید، زیرا تضمینی برای رسیدن محمولات به ایران وجود ندارد و اگر بسته‌ها هم برسد، در تحویل آنها تردید است. اغلب کارمندان شرکت هواپیمایی، کارگران بنادر، کارمندان گمرک و پست در اعتراض‌اند. حتی اگر ناراحتی‌ها هم اکنون به پایان برسد، آنقدر کالاهای انبشه شده که تحویل آنها ماهیتا طول خواهد کشید. مقررات شدیدی برای کنترل ارز وضع گردیده که انتقال وجه به خارج از کشور را بسیار دشوار ساخته است.... کتابفروشانی که مایلند بدھی های خود را بپردازند باید از بانک مرکزی تقاضا و دعا کنند که حواله‌هایشان نهایتاً به جریان آفتد".

یادداشت مذبور سپس به بحث درباره وضع کلی حسابهای کتابفروشیهای مختلف از جمله وضع بعضی از شش کتابفروشی مذبور ادامه می‌دهد.

۱۶ - سوم، خواهان نامه‌ای را که در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۷۹ (هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) برای یکی از کتابفروشی‌ها یعنی شرکت کتاب ایران ارسال گردیده است، ارائه می‌دهد. این نامه، نامه‌ای است که همراه با صورت ریز اقلام که در سوگندنامه آقای کابریل از آن یاد شده، ارسال گردیده است. در این نامه اشعار گردیده که "استنباط ما از اطلاعات حاصله درباره جمهوری اسلامی ایران این است که اطلاعات حاضر برای انتقال پول به خواهان از طریق بانک مرکزی کار شما را آسان خواهد کرد".

۱۷ - بالاخره، خواهان نامه مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ (ششم دیماه ۱۳۵۷) یک کتابفروشی ایرانی دیگر به نام لو لیور پورتو (Le Livre Pour Tous) به آی. پی. آر. را ارائه می‌دهد که از کتابفروشیهای درگیر در این پرونده نیست. در این نامه از محدودیتهای جدید ارزی یاد و ظاهر "پیشنهاد شده است که آی. پی. آر. برای تسهیل در کار پرداخت صورت ریز اقلام را برای وی ارسال دارد.

۱۸ - دیوان معتقد است که خواهان برای تائید ادعای خود مبنی بر اینکه شش کتابفروشی مورد بحث به سبب محدودیتهای ارزی وجهی پرداخت نکرده‌اند، مدارک کافی ارائه نداده است. سوگندنامه آقای کابریل حاوی اظهارات کلی بوده و ذکری از تقاضای انتقال ارز توسط هیچیک از شش کتابفروشی مورد بحث یا ممانعت از آنها برای انتقال ارز به دلیل محدودیتهای ارزی نمی‌کند. یادداشت آی. پی. آر. نیز برای تائید ادعا کافی نیست. یادداشت مذبور خطاب به کلیه مشتریان آی. پی. آر. بوده و حاوی اطلاعات خاصی درباره مشکلاتی نیست که آن شش کتابفروشی در مورد پرداخت با خواهان داشته‌اند. حداقل مطلبی که یادداشت مذبور در ارائه دلیلی مبنی بر اینکه یکی

از شش کتابفروشی درخواست انتقال ارز کرده، ذکر شده در بحث مربوط به حساب شرکت کتاب ایران است که در آن اظهار می‌دارد مدیر عامل آن کتابفروشی به آی. پی. آر. گفته است که آنها پول را به (بانک مرکزی) انتقال داده‌اند ولی مطمئن نیستند که بانک وجهی انتقال داده باشد. ولی، هیچ قرینه‌ای حاکی از اینکه درخواست انتقال موردنظر نه برای یکی دیگر از تهیه‌کنندگان کتاب آن کتابفروشی بلکه برای خواهان بوده است، وجود ندارد. همینطور، نامه خواهان به شرکت کتاب ایران و نامه لو لیور پور تو به آی. پی. آر. هیچ دلیلی مبنی بر اینکه یکی از شش کتابفروشی برای انتقال وجه کوششی کرده یا آن محدودیتهاي ارزى مانع چنین پرداختهای شده است، به دست نمی‌دهند. درواقع، نامه خواهان به شرکت کتاب ایران شان می‌دهد که خواهان می‌دانست که برای انتقال ارز ترتیبی برای تسلیم درخواست و حداقل امکان انجام انتقال وجود داشته است. بدینترتیب، خواهان برای اثبات اینکه محدودیتهاي ارزى ایران سبب شده که وی از شش کتابفروشی یاد شده وجهی دریافت ننماید، مدارک کافی ارائه نداده است.

۱۹ - علاوه بر آن، از مدارک خواهان چنین بر می‌آید که قصور شش کتابفروشی در پرداخت پول به دلایل دیگری بوده که ارتباطی با محدودیتهاي ارزى نداشته است. به ویژه، در یادداشت آی. پی. آر. اشعار شده که یکی از نگران کننده ترین مسائل برای ما این است که احتمال می‌رود بسیاری از کتابفروشی‌ها ناچار شوند اعلام ورشکستگی کنند. این گفته به ویژه در نبود ادله معارض این امکان را پدید می‌آورد که شش کتابفروشی مذبور احتمالاً حسابهای خود را به دلایلی غیر از محدودیتهاي ارزى تسویه نکرده‌اند.

۲۰ - بالاخره، دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان از عهده ارائه ادله کافی برای اثبات این امر که کتابهای مورد بحث واقعاً تحویل شش کتابفروشی شده نیز برنیامده است. مطرح کننده ادعا در جلسه استماع اظهار داشت که آقای گابریل به وی اطلاع داده که

کتابها به صورت فوب (FOB) ارسال شده ولی پذیرفت که در پرونده مطلبی یا مدرکی در این باره وجود ندارد. وکیل خواهان استدلال کرد که چون این کتابها به صورت فوب (FOB) حمل شده بنابراین می‌توان تحویل آنها را مسلم دانست. ولی، در نبود مدارک حمل به صورت فوب (FOB) یا تحویل، دیوان نمی‌تواند نتیجه گیرد که کتابهای مورد بحث "واقعاً" به شش کتابفروشی تحویل داده شده است.

۲۱ - بطور خلاصه، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان نتوانسته است برای اثبات اینکه ادعای وی در اثر اقدامات خواندگان به وجود آمده، مدارک کافی ارائه ندهد. بنابراین، دیوان ادعا را رد می‌کند. با توجه به این نظر، دیوان لزومی نمی‌پسند به موضوع اعتبار محدودیتهای ارزی بپردازد.

ج - هزینه‌ها

۲۲ - با توجه به اینکه خواهان از عهده ارائه مدارک کافی برای اثبات ادعای خود برنیامده و با توجه به اینکه خواندگان در دفاع خود کاملاً "موفق بوده‌اند" دیوان حکمی "جماعاً" به مبلغ ۲،۰۰۰ دلار بابت هزینه‌های داوری به نفع خواندگان صادر می‌نماید. دیوان در محاسبه این رقم به این مطلب توجه داشته که چون خواهان طبق معمول ادعاهای کمتر از ۲۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه‌های داوری مبلغی معادل $1/5$ درصد مبلغ ادعا تقاضا کرده، لذا در شرایط پرونده حاضر برای تعیین هزینه‌های خواندگان در تهییه دفاع استفاده از فرمول مشابهی معقول می‌باشد.

چهارم - حکم

۲۳ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم می دهد:

الف - ادعای اسکات، فورسمن اند کامپنی مردود اعلام می شود،

ب - خواهان باید جمعاً مبلغ دو هزار دلار امریکا (-۲،۰۰۰ دلار) به عنوان هزینه های داوری به خواندگان جمهوری اسلامی ایران و بانک مرکزی ایران پردازد.

لاهه، به تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۵ تیرماه ۱۳۶۶)

ممنون

کارل - هاینس بوکشتیگل
رئیس شعبه یک

بنام خدا

هوارد آم. هولتزمن

درست هم نمیگذرد

کورش - حسین عاملی

پیوستن اینجانب در حکم به هزینه در
این پرونده صرفاً بخاطر بی اساس
سودن ادعا می باشد. امیدوارم
ایالات متحده این هزینه را پردازد
با موجبات پرداخت آنرا فراهم
آورد. در غیراینصورت با الزام
خواندگان به پرداخت چندین برابر
هزینه مورد حکم بابت اجرای حکم،
ایالات متحده این حکم به پرداخت
هزینه را بی معنی خواهد کرد.